فصل ششم

نقش دادگاهها در جریان داوری

**گفتار اول**: قوانین داوری **گفتار دوم**: دخالت دادگاه پیش از شروع داوری

**گفتار سوم**: دخالت دادگاه در طول جریان داوری **گفتار چهارم**: دخالت دادگاه پس از ختم داوری

# 

# مقدمه

1. دادگاههای دادگستری در مقرّ داوری، از آغاز تا پایان نقشی نظارتی و حمایتی برای جریان داوری ایفاء می­کنند. هرچه نظام حقوقی ملی بیشتر طرفدار داوری بوده و دادگاهها نسبت به نهاد داوری آگاه­تر و مجهزتر باشند، جریان داوری بهتر و سیّال­تر برگزار خواهد شد و دخالت دادگاهها در جریان داوری کمتر خواهد بود. داوران و اصحاب داوری نیز دادگاه­هارا حامی و پشتیبان خود دیده و در موارد مقتضی از مساعدت دادگاههای محل برای تسهیل امور داوری بهره­مند خواهند شد. در کشورهایـی که نظام حقوقی خودرا در مسیر تسهیل داوری اصلاح کرده­اند، قوانین مناسب برای داوری وضع شده و شعب خاصی برای نظارت بر جریان داوری ایجاد شده است تا داوران و اطراف داوری مطمئن باشند دخالت دادگاهها تنها با هدف تسهیل و پشتیبانیِ جریان داوری صورت خواهد گرفت. دادگاه­ها مراقب هستند تا قرارداد داوری مورد احترام باشد و احیاناً یکی از طرفین برای استنکاف از داوری اقدامی بعمل نیاورد. هرگاه یک طرف بدین منظور دعوایـی در دادگاه مطرح کند در حالیکه قرارداد ذیربط به داوری اشاره دارد، طبعاً دادگاه قبول صلاحیت نکرده و آن طرف را به داوری هدایت خواهد کرد. درخواست­های ابطال شرط داوری نیز معمولاً پذیرفته نمی­شود. در حین جریان داوری نیز دادگاهها از پذیرش درخواست­هایـی که از طریق داوری قابل حل است خودداری می­کنند.
2. دخالت دادگاهها پس از پایان داوری و صدور رأی بیشتر بوده و در اغلب موارد ضروری است. هرگاه رأیِ داوری داوطلبانه اجرا نشود، محکومٌ­له برای اجرای رأی به دادگاه مراجعه خواهد کرد. این روند عمدتاً در جهت حمایت از جریان داوری است. بعبارت دیگر، دادگاه از قوۀ اجرایـی خود (که داوری فاقد آن است) استفاده کرده و قرارداد یا رأی داوری را تنفیذ و حکم اجرای رأی داوری را صادر می­کند، بدون اینکه در مفاد رأی دخالت غیرضروری بعمل آورد. دیوان داوری هیچگونه قوۀ اجرایـی در اختیار ندارد و بدین لحاظ کاملاً وابسته به نظام دادگستری است. مشکل در این مرحله بیشتر به ایرادات و اعتراضاتی مربوط است که طرف مستنکف مطرح کرده و جریان شناسایـی و اجرای رأی را به تأخیر می­اندازد. در این مورد نیز آگاهیِ قضات و سلامت نظام دادگستری نقشی عمده­ در تسهیل امور و تنفیذ رأی دارد. در مواردی نیز مراجعه به دادگاه با هدف تصحیح اشتباهات در رأی داوری صورت می­پذیرد. در مجموع، داوری بدون نیروی نظارتی دادگاهها قابل تصور نبوده و چنین چیزی مطلوب هم نیست. جریان شناسایـی و اجرای رأی داوری و تقاضای ابطال رأی، در فصل هشتم که به رأی داوری اختصاص دارد بحث شده است. در این فصل به روابط متقابل دادگاه و داوری پیش از ختم داوری و صدور رأی خواهیم پرداخت. برخی مسائل پس از صدور رأی داوری نیز که به اجرای رأی داوری مربوط نیست و در فصل هشتم بحث نشده، در اینجا بحث خواهد شد.

**روابط میان دادگاه و داوری**

* مقررات قانون محل در تنظیم رابطه میان دادگاه و داوری
* نقش دادگاه پیش از شروع یا در ابتدای جریان داوری
* الزام به داوری
* انتخاب داور
* تصمیمات صلاحیتی
* نقش دادگاه در حین برگزاری داوری
* دستور موقت
* تصمیمات صلاحیتیِ اِعدادی
* جلب شهود و کارشناسان
* تصمیم در خصوص جرح داوران در موارد مقتضی
* نقش دادگاه پس از پایان جریان داوری
* رسیدگی به تقاضای ابطال رأی
* صدور اجرائیه

# گفتار اول: قوانین داوری و روابط میان دادگاه و داوری

1. هرگونه دخالت دادگاهها در جریان داوری از طریق قانون داخلی تنظیم می­شود. لذا وضعیت قانون مقرّ داوری و قانون محل اجرای حکم، در این خصوص بسیار مهم است. چنانکه پیش از این یادآور شدیم، امروزه بسیاری از قوانین داوری بر مبنای قانون نمونۀ آنسیترال نوشته شده است. قوانینی هم که مستقیماً از آنسیترال اقتباس نشده، مقرراتی شبیه آن دارند. در این قوانین، معمولاً دادگاه صالح برای رسیدگی به جریان داوری معرفی و صلاحیت و حدود دخالت آن دادگاه روشن می­شود. قانون نمونۀ آنسیترال در این مورد مقرر می­دارد: «در موضوعات مشمول این قانون، دادگاهها هیچ دخالتی نخواهند کرد مگر آنچه در این قانون پیش­بینی شده است.»[[1]](#footnote-2)
2. این مقرره به معنای قطع ارتباط محاکم و جریان داوری نیست. قانون نمونه عمداً بدین صورت انشاء شده تا اصل بر عدم دخالت دادگاهها باشد و دخالت در جریان داوری موضوعی استثنائی محسوب شود. این امر در متن ماده روشن است. نخست آنکه بخش اخیر ماده صراحتاً دست قانونگذار را برای درج هرگونه شرط در خصوص اختیارات دادگاهها در این خصوص باز گذاشته است.[[2]](#footnote-3) پیش از این یادآور شدیم که قانون نمونۀ آنسیترال خود «قانون» نیست، بلکه راهنمایـی است برای قانونگذاران در کشورهای مختلف برای طراحی و تدوین قوانین داوری. حسن این راهنما در آن است که هرگاه اکثر کشورها آن را اقتباس کرده و بصورت قانون درآورند، اشتراکات میان قوانین در کشورهای مختلف زیاد شده و این امر جریان داوری بین­المللی را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد، مطلبی که در عمل تا حد زیادی اتفاق افتاده است. دوم، همین قانونِ راهنما خود در موارد متعدد به نقش دادگاه محل در داوری اشاره می­کند. مثلاً در مواردی مانند تشکیل دیوان داوری، جرح داوران، تصحیح اشتباهات داور در امور صلاحیتی و غیره، قانون نمونۀ آنسیترال نقش محاکم محل را ضروری و حیاتی می­داند. چنانکه در ماده 6 قانون نمونه آنسیترال (1985) پیش­بینی شده است، لازم است در هر کشور مرجعی صالح برای نظارت و رسیدگی به امور داوری در موارد مقتضی معین شود. این موارد بنا بر ماده 6 عبارت است از:

* تعیین داور در صورت استنکاف یک طرف (بند 3 ماده 11)
* اقدام مقتضی در صورت عدم همکاری طرفین در مورد تشریفات مورد توافق (بند 4 ماده 11)
* اقدام مقتضی در صورت عدم توانایـی داور منتخب به شرکت موثر در داوری (بند 1 ماده 14)
* تصمیم در خصوص صلاحیت دیوان داوری در صورت اعتراض یک طرف (بند 3 ماده 16)
* روند شناسایـی یا ابطال رأی داوری (ماده 34).

ترتیبات اقتباس قانون نمونۀ آنسیترال در هر کشور، این موارد را در نظر گرفته و قوانین محلی به پـیروی از قانون نمونه و مطابق ترجیح قانونگذاران تدوین و تصویب می­شود.

الف- قانون ایران

1. در ایران، قانون داوری تجاری بین­المللی (1376) بر مبنای قانون نمونۀ آنسیترال (1985) تدوین شده است. ماده 6 قانون ایران، به تأسی از ماده 6 قانون نمونه، دادگاه عمومی استان را مرجع صالح برای انجام وظایف لازم در این مورد تعیین کرده است:

ماده 6 – مرجع نظارتی: 1- انجام وظایف مندرج در ماده 9؛ بندهای 3 و 4 ماده 11، بند 3 ماده 13، بند 1 ماده 14، بند 3 ماده 16، ماده 33، و ماده 35 به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقرّ داوری در آن قرار دارد، و تا زمانی که مقرّ داوری مشخص نشده، بعهده دادگاه عمومی تهران است. تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیرقابل اعتراض است.

2- در داوری­های سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای 2 و 3 ماده 11؛ بند 3 ماده 13 و بند 1 ماده 14 به عهده سازمان داوری مربوط است.

1. بدین ترتیب موارد دخالت دادگاه و مرجع صالح برای دخالت در داوری، در قانون احصاء و مشخص شده است. برخی از این موارد مربوط به پیش از شروع داوری، برخی در طول داوری، و برخی نیز مربوط به پس از پایان داوری است. جزئیات این موارد ذیلاً تشریح خواهد شد. مثلاً ماده 9 قانون مربوط است به درخواست قرار تأمین از دادگاه. ماده 11 به تشکیل دیوان داوری و نصب داوران اشاره دارد. ماده 13 به جرح داوران اختصاص دارد. مواد 33 و 35 نیز به اعتراض به رأی و درخواست اجرای رأی مربوط می­باشد. همانگونه که در بند 2 ماده فوق آمده است، هرگاه داوری تحت اشراف سازمان داوری برگزار شود، برخی از وظایف فوق را سازمان می­تواند ایفاء کند و لزومی به مراجعه به دادگاه نیست. یعنی تصمیم­گیری در مواردی مانند تشکیل دیوان داوری و انتخاب داوران (در صورت استنکاف یا عدم همکاری یک طرف)، جرح داور و یا قصور داور در انجام وظایف، با سازمان داوری خواهد بود و نه دادگاه محل. مثلاً هرگاه داوری بین­المللی مطابق قانون ایران ولی در چارچوب مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران و یا مرکز منطقه­ای داوری تهران برگزار شود، اینگونه تصمیمات در اختیار این مراکز خواهد بود و موردی برای دخالت دادگاهها وجود ندارد. در فصل پنجم (سازمانهای داوری)، تشکیلات این مراکز و اختیاراتشان بحث شده است.

**موارد دخالت دادگاه در داوری مطابق قانون داوری بین­المللی ایران**

* **داوری موردی** (*ad hoc*)
* تعیین داور در صورت استنکاف یک طرف
* اقدام مقتضی در صورت عدم همکاری یک طرف در داوری
* اقدام مقتضی در صورت ناتوانی داور به شرکت موثر در داوری
* تصمیمات صلاحیتی در صورت اعتراض یک طرف
* تصمیم در خصوص درخواست قرار تأمین
* تصمیم در خصوص دستور موقت در موارد مقتضی
* تصمیم در خصوص جرح داور
* حکم در خصوص شناسایـی، ابطال، و اجرای رأی
* **داوری سازمانی**
* تصمیمات صلاحیتی در صورت اعتراض یک طرف
* تصمیم در خصوص درخواست قرار تأمین
* تصمیم در خصوص دستور موقت در موارد مقتضی
* حکم در خصوص شناسایـی، ابطال، و اجرای رأی

ب- قوانین کشورهای دیگر

1. بسیاری از کشورها نیز قوانین داوری خودرا بر اساس قانون نمونۀ آنسیترال تنظیم کرده و در خصوص ارتباط دادگاه محل و داوری و حدود دخالت دادگاه مقرراتی مشابه دارند. بنابر آمار آنسیترال، 87 کشور در 120 حوزه قضایـی[[3]](#footnote-4) قوانین داوری خودرا به اقتباس از قانون نمونۀ آنسیترال تصویب کرده­اند. برخی دیگر قوانین داوری خودرا مستقلاً تنظیم کرده­اند، ولی تفاوت ماهوی در این خصوص دیده نمی­شود. فرانسه در سالهای 1980 و 1981، یعنی پـیش از تصویب قانون نمونۀ آنسیترال، اصلاحات اساسی در قانون داوری داخلی و بین­المللی خود به عمل آورد. شاید بتوان گفت که اقدام فرانسه در این باره محرک اصلاحات در قوانین داوری بین­المللی در سایر کشورها بود و اکثر این قوانین، و از جمله قانون نمونۀ آنسیترال، بر اساس اصلاحات قانون داوری بین­المللی فرانسه در سال 1981 تهیه و طراحی شده است. کتاب چهارم آیـین دادرسی مدنی فرانسه به داوری اختصاص دارد.[[4]](#footnote-5) ماده 1505 قانون مقرر می­دارد که در داوری بین­المللی، رئیس دادگاه عمومی پاریس[[5]](#footnote-6) نقش «قاضی پشتیبان داوری»[[6]](#footnote-7) را بعهده خواهد داشت. علاوه بر مواردی که داوری در فرانسه برگزار می­شود، دادگاه مزبور در موارد زیر نیز ممکن است همان نقش را داشته باشد:

* هرگاه طرفهای داوری توافق کرده باشند که آیـین دادرسی فرانسه ناظر بر داوری باشد؛
* هرگاه طرفهای داوری تصریحاً دادگاههای فرانسه را نسبت به اختلاف مطروح در داوری ذیصلاحیت کرده باشند؛
* هرگاه یکی از طرفهای داوری با خطر انکار عدالت مواجه باشد.

مطابق مواد 1514 و 1516، رأی داوری توسط دادگاه مزبور شناسایـی و اجرا خواهد شد. تنها مانع اجرا، تعارض رأی با نظم عمومی بین­المللی است. هرگاه رأی در فرانسه صادر شده باشد، دادگاه عمومی استانی که داوری در آن برگزار شده اجرائیه[[7]](#footnote-8) صادر می­کند و هرگاه رأی خارج از فرانسه صادر شده باشد، دادگاه عمومی پاریس صالح به صدور اجرائیه خواهد بود. درخواست ابطال رأی داوری باید به دادگاه پژوهش تقدیم شود (ماده 1519). مطابق ماده 1448، دادگاه اختلافی را که مشمول داوری است نخواهد پذیرفت مگر در صورت بطلان قرارداد داوری. هرگاه طرفهای داوری نتوانند در مورد شخص داور و برکناری داور و یا سایر مسائل شکلی به توافق برسند، «قاضی پشتیبان داوری» این وظیفه را بعهده خواهد داشت (مواد 1452-1458). طرفین داوری یا دیوان داوری و حتی یکی از داوران در موارد مقتضی ممکن است به «قاضی پشتیبان داوری» مراجعه و تقاضای مساعدت نمایند (ماده 1460). این مقررات با هدف حمایت از داوری نوشته شده و سعی شده است دخالت دادگاه در کمترین حدّ باشد. طرفهای داوری می­توانند با توافق، دخالت دادگاه را حتی کمتر کنند.

1. در انگلستان اصلاحات اساسی در این خصوص با تصویب قانون داوری در سال 1996 بعمل آمد. این قانون مستقیماً از قانون نمونۀ آنسیترال اقتباس نشده ولی شباهت زیادی به قانون نمونه دارد. ماده 1 قانون داوری انگلستان مقرر می­دارد که «دادگاه هیچگونه دخالتی در امور مشمول این قانون نخواهد داشت مگر آنکه در این قانون پیش­بینی شده باشد.» این نحوۀ انشای قانون، که عیناً در قانون نمونۀ آنسیترال نیز وجود دارد، با هدف تأکید بر استقلال داوری و عدم دخالت دادگاهها جز در موارد معین بعمل آمده است. مواد مربوط به دخالت دادگاه بسیار شبیه قوانین دیگر و قانون نمونه آنسیترال است. در عین حال، از یک سو تأکید بیشتری بر احترام به توافق طرفین در هر مورد شده؛ و از سوی دیگر جزئیات بیشتری در خصوص موارد دخالت دادگاه پیش­بینی شده است. بنا بر ماده 2 قانون، دخالت دادگاه با هدف حمایت از داوری خواهد بود، و در مواردی به داوری­هایـی که مقرّ آن خارج از انگلستان است نیز سرایت می­یابد.[[8]](#footnote-9) مطابق ماده 105 قانون، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به امور داوری خواهد داشت، دادگاه عمومی انگلستان در امور حقوقی[[9]](#footnote-10) است که صلاحیت عام دارد؛ و در مواردی دادگاه بخش.[[10]](#footnote-11) همانگونه که پیش از این یادآور شد، قانون داوری انگلستان بسیار مفصل است و در 110 ماده جزئیات زیادی را در بر می­گیرد. قانون مزبور تقسیم­بندی صریحی در خصوص داوری داخلی و بین­المللی ندارد و لذا ناگزیر جزئیات زیادی را در بر می­گیرد. در خصوص موضوع حاضر نیز، قانون وظایف بسیاری برای دادگاه انگلستان برمی­شمارد، از جمله:

* قرار توقف جریان داوری در موارد استثنایـی (ماده 9)
* قرار توقیف اموال در موارد استثنایـی (ماده 11)
* تمدید مهلت شروع داوری در موارد ضروری (ماده 12)
* انتصاب داور در صورتی که طرفین داوری قادر به توافق نباشند؛ و عزل داور در صورتی که انتخاب او توسط یک طرف مطابق توافق طرفین نباشد (ماده 18)
* تصمیم در خصوص جرح داور (ماده 24)
* تصمیم در خصوص مسئولیت مدنی داور مستعفی (ماده 25)
* تصمیم در خصوص حق­الزحمۀ داوران در موارد خاص (ماده 28)
* تصمیم در خصوص صلاحیت در حین جریان داوری (ماده 32)
* قرار اجرای برخی دستورات دیوان داوری در حین جریان داوری (ماده 42)
* قرار جلب شهود به داوری (ماده 43)
* قرارهایـی که برای مساعدت دیوان داوری لازم است، مانند تحصیل دلیل و حفظ ادله، معاینه محلی، فروش کالا، و سایر اقدامات تأمینی (ماده 44)
* تصمیم در خصوص برخی موضوعات حکمی که طرفین برای تسریع جریان داوری لازم تشخیص داده به دادگاه مراجعه می­کنند (ماده 45)
* تصمیم در خصوص تمدید مهلت صدور رأی داوری (ماده 50)
* تصمیم در خصوص هزینه­های داوری در صورتی که داور اقدام به آن نکرده باشد (ماده 63)
* صدور اجرائیه برای رأی داوری و تصمیم در خصوص اعتراضات به رأی (مواد 66-71)
* تصمیم در خصوص اعتراضات طرفِ غایب در داوری (ماده 72)
* مساعدت به دیوان داوری در ابلاغ اوراق در صورت ضرورت (ماده 77)

1. همانگونه که یادآور شد، این مقررات برای داوری داخلی و بین­المللی نوشته شده و به همین سبب بسیار مفصل است و در مواردی ممکن است ناظر بر داوری بین­المللی نباشد.[[11]](#footnote-12) در مجموع، توافق طرفهای داوری تعیین کننده است و اکثر مقررات قانون در مواردی کاربرد خواهد داشت که قرارداد داوری ساکت است و طرفین نیز قادر به توافق در موضوع خاصی نیستند. در داوری­های سازمانی بسیاری از موارد فوق توسط سازمان حل و فصل می­شود و نیازی به مراجعه به دادگاه نیست. در داوری­های موردی (*ad hoc*) نیز هرگاه قواعد خاصی برای جریان داوری انتخاب شده باشد، آن قواعد اولویت خواهد داشت. در عین حال، برخی مقررات قانون که در جهت مساعدت به داوری وضع شده، برای تسهیل و تسریع در جریان داوری مفید است.
2. قوانین داوری در اکثر کشورهای دیگر به همین منوال در جهت تسهیل داوری در حوزۀ قضایـی و مساعدت به داوری تنظیم شده است. در جای دیگر گفته­ایم که در بعضی کشورها قوانین به دادگاهها اجازه می­دهند برای دستورهای موقت صادره از داوری اجرائیه صادر کنند (مانند هلند و هنگ کنگ). قوانین سایر کشورها نیز به تدریج در این مسیر متحول شده و تسهیلات بیشتری برای داوری بین­المللی فراهم خواهد ساخت. علاوه بر این، کنوانسیون 1958 نیویورک نیز وظایفی را بر عهدۀ دادگاهها قرار داده است. مهمترین وظایف دادگاهها تحت کنوانسیون، تضمین اعتبار قرارداد داوری و شناسایـی و اجرای آراء صادره در کشورهای دیگر است. در خصوص این کنوانسیون در فصل هشت به تفصیل صحبت شده است.

# گفتار دوم: دخالت دادگاه پیش از شروع داوری

1. مواردی پیش می­آید که حتی پیش از شروع داوری لازم است دادگاهِ محل دخالت کرده و تصمیماتی اتخاذ کند. این موارد در سه محور قابل مطالعه است. 1) الزام به داوری؛ 2) نصب و جرح داوران؛ 3) برخی تصمیمات صلاحیتی.

**دخالت دادگاه پیش از شروع رسمی یا در ابتدای داوری**

* الزام به داوری
* عدم پذیرش دعاوی مشمول قرارداد داوری
* هدایت طرفین به داوری
* تشکیل دیوان داوری
* نصب داوران در صورت عدم توانایـی طرفین
* تصمیم در خصوص جرح داور
* برخی تصمیمات در خصوص مواعد
* برخی اقدامات تأمینی
* تصمیمات صلاحیتی
* تصمیم در خصوص اعتبار شرط داوری
* تصمیم در مورد سایر اعتراضات صلاحیتی

1. گاه پیش می­آید که یک طرفِ قرارداد تجاری که حاوی شرط داوری است، بدون توجه به آن شرط مستقیماً به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای رسیدگی می­کند. در مواردی نیز موضوع◦ عدم توجه به شرط داوری نیست، بلکه بنا به ادعای یک طرفِ اختلاف، موضوع مستقیماً به قرارداد مربوط نمی­شود در حالیکه به نظر طرف دیگرِ موضوع داخل در چارچوب قرارداد و شرط داوری است. موردی که بیشتر پیش می­آید آنکه پس از شروع داوری توسط یک طرف، خوانده بجای پاسخ به اخطار داوری یا دادخواست، به دادگاه مراجعه و مستقلاً دعوایـی مطرح می­کند و یا تقاضای ابطال شرط داوری را دارد. در این موارد دادگاه باید موضوع را بررسی کند و هرگاه تشخیص دهد که اختلاف در چارچوب شرط داوری است، رأی به عدم صلاحیت داده و آن طرف را به داوری هدایت کند. همۀ قوانین و قواعد داوری بر این رویه تأکید دارند. علاوه برآن، مطابق کنوانسیون نیویورک (1958) که در اکثر کشورهای دنیا بصورت قانون درآمده است، دادگاهها ملزم به چنان رویـه­ای هستند. علاوه بر لزوم احترام به شرط داوری، در ابتدای داوری نیز مواردی پیش می­آید که دادگاه ناگزیر از دخالت می­شود. این موارد موضوع این بخش است.
2. در ایران سه منبع قانونی برای این مورد وجود دارد. نخست، قانون داوری تجاری بین­المللی ایران، دوم، باب هفتم قانون آیـین دادرسی مدنی، و سوم قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک. قانون داوری تجاری بین­المللی (1376) در چندین مورد به دخالت دادگاه در ابتدای جریان داوری اشاره می­کند. مطابق مفاد مادۀ 8 قانون «دادگاهی که دعوای موضوع موافقتنامۀ داوری نزد آن اقامه شده است باید در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه دادگاه، دعوای طرفین را به داوری احاله نماید.» ملاک پایانِ اولین جلسه دادگاه چندان روشن نیست. ماده 8 قانون نمونه آنسیترال که منشأ قانون داوری ایران است چنین مقرر می­دارد که ایراد مزبور باید حداکثر تا تقدیم اولین اظهارات آن طرف در ماهیتِ اختلاف اقامه شود. در عمل ممکن است دادگاه جلسات مقدماتی برگزار کند. نیز ممکن است اساساً جلسه­ای برگزار نشود و طرفین به تبادل دادخواست و دفاعیه بصورت کتبی بپردازند. لذا لازم است ملاکی بهتر و عملی­تر از اولین جلسه دادگاه در این مورد وجود داشته باشد. اساساً ایرادات صلاحیتی باید در اولین فرصت بعمل آید وگرنه اعراض محسوب خواهد شد. در قوانین اکثر کشورها، ایرادات صلاحیتی باید در اولین مواجهۀ یک طرف با پرونده و پیش از شروع مراحل ماهوی و یا همراه با پاسخ به ماهیت دعوا تقدیم شود.[[12]](#footnote-13)
3. طرح دعوا در دادگاه مانع شروع داوری نیست. قسمت اخیر ماده 8 قانون داوری تجاری بین­المللی ایران مقرر می­دارد که «طرح دعوا در دادگاه مانع شروع و یا ادامۀ جریان داوری و صدور رأی داوری نخواهد بود.» لذا هرگاه یک طرف جریان داوری را شروع کند و خوانده همان موضوع را نزد دادگاه اقامه کند، هردو جریان ممکن است همزمان پیش رود. نیز ممکن است اعتراض به صلاحیت دادگاه به سبب وجود شرط داوری، و جریان داوری برای رسیدگی به ماهیت اختلاف همزمان رسیدگی می­شود.
4. مورد دیگری که قانون داوری تجاری بین­المللی ایران پیش­بینی می­کند، درخواست قرار تأمین یا دستور موقت «قبل یا حین رسیدگی داوری» است (ماده 9). شرایط صدور قرار تأمین طبعاً تابع قانون آیـین دادرسی مدنی خواهد بود.[[13]](#footnote-14) در شرایط خاص، ممکن است به دادگاه صالح (موضوع ماده 6 قانون) مراجعه و درخواست اقدامات تأمینی در خصوص موضوع مورد بحث در داوری کرد. این درخواست ممکن است حتی پیش از شروع داوری بعمل آید. مثلاً هرگاه موضوع قراردادی که حاوی شرط داوری است کالاهای فاسد شدنی باشد، یک طرف ممکن است پیش از شروع جریان داوری به دادگاه مراجعه و درخواست دستور موقت در مورد فروش کالا نماید. یا اگر اموال مورد اختلاف در معرض فروش قرار گیرد، ممکن است از دادگاه درخواست دستور موقت برای ممانعت از فروش یا قرار تأمین کرد. دادگاه در این خصوص صلاحیت دارد زیرا شرط داوری مربوط به اصل اختلاف است و نه اقدامات تأمینی.[[14]](#footnote-15) جزئیات مربوط به اقدامات تأمینی یا دستور موقت در فصل هفتم بحث شده است.
5. انتخاب داور توسط دادگاه مورد دیگری است که ماده 11 قانون داوری تجاری بین­المللی ایران به آن اشاره می­کند. در این خصوص دادگاه (موضوع ماده 6 قانون) نقش مقام ناصب را خواهد داشت. یعنی هرگاه یکی از طرفین از انتخاب داورِ خود ظرف مهلت معین خودداری کند و یا طرفین نتوانند بر سر داور واحد توافق کنند و یا اینکه دو داورِ منتخبِ طرفین نتوانند داور سوم را انتخاب کنند، دادگاهِ موضوع ماده 6 قانون از طرف آنان به نصب داور اقدام می­کند. عین این اختیار در خصوص جرح داور وجود دارد. گاه پیش می­آید که پس از انتخاب یا نصب داور و پیش از شروع داوری، یک طرف اقدام به جرح داور می­کند. مطابق ماده 12 قانون، در صورت لزوم دادگاه (موضوع ماده 6 قانون) در خصوص جرح تصمیم­گیری می­کند. همانگونه که گفته شد، هرگاه داوری بین­المللی تحت اشراف سازمان خاصی برگزار شود، بسیاری از موارد برشمرده شده نیازی به دخالت دادگاه نخواهد داشت. تشکیل دیوان داوری و جرح داوران معمولاً در اختیار سازمان داوری است. عیناً هرگاه قواعد خاصی (مثلاً قواعد داوری آنسیترال) ناظر بر داوری باشد، آن موارد توسط مقام ناصبِ اشاره شده در آن قواعد تصمیم­گیری خواهد شد.
6. احترام به قرارداد داوری و عدم پذیرش دعاویِ مشمول آن قرارداد توسط دادگاهها موضوع ماده 2 کنوانسیون نیویورک (1958) نیز می­باشد. با پیوستن ایران به کنوانسیون، این الزام بصورت قانون ایران نیز درآمده است. مطابق ماده 2 کنوانسیون، دادگاههای ایران مکلفند قراردادهای داوری را که طی آن طرفین متعهد شده­اند اختلافات خودرا از طریق داوری حل و فصل کنند محترم شمارند و در خصوص آن اختلاف احراز صلاحیت ننمایند. جزئیات این مطلب در فصل دیگری بحث شده است. در عین حال، گاه دیده می­شود که در همان ابتدای داوری، خوانده با مراجعه به دادگاه تقاضای ابطال شرط داوری می­کند. هدف از این کار طبعاً ممانعت از شروع یا ادامۀ داوری و خلاص شدن از دعوای اقامه شده در داوری است. معمولاً خوانده به دادگاه کشور متبوع خود مراجعه و تقاضا می­کند که شرط داوری با طرفِ خارجی را باطل اعلام کند. دادگاههای ایران در مواردی شرط داوری با طرف خارجی را بر مبانی مختلف باطل کرده­اند. مثلاً در یک پرونده­ای نزد دادگاههای ایران، طرف خارجی جریان داوری مطابق قواعد مرکز داوری اتاق تجارت بین­الملل (ICC) علیه یک شرکت ایرانی آغاز کرده بود. قرارداد فیمابین صراحتاً به داوری تحت آن قواعد اشاره داشت. مطابق قرارداد، مقرّ داوری در سنگاپور بود. طرف ایرانی بجای شرکت در داوری، به دادگاه تهران مراجعه و تقاضای ابطال شرط داوری و رسیدگی به اختلاف کرد. دادگاه­های عمومی و تجدیدنظر با تقاضای شرکت ایرانی موافقت و حکم به ابطال شرط داوری کرده و با ورود در ماهیت، در مورد اختلافِ مشمول قرارداد تجاری نیز تصمیم­گیری کرده و آن اختلاف را که موضوع داوری بین­المللی بود به نفع طرف ایرانی رأی دادند.[[15]](#footnote-16)
7. باب داوری در قانون آیـین دادرسی مدنی ایران که مختص داوری­های داخلی است، مقرراتی در خصوص تعامل دادگاه و داور دارد. در داوری داخلی نظارت دادگاهها بیشتر است و دادگاهها دخالت بیشتری در امور داوری دارند. با اینحال، دادگاهها در مواجهه با قرارداد داوری از رسیدگی خودداری و طرفین را به داوری دلالت می­کنند. رویۀ دادگاههای ایران در این خصوص عمدتاً بر این روال است. هرگاه اختلافی نزد دادگاه مطرح شود و دادگاه احراز کند که میان طرفین شرط داوری معتبری وجود دارد، معمولاً قرار ردّ دعوا یا قرار عدم استماع صادر می­شود.[[16]](#footnote-17) بعبارت دیگر، دادگاه از خود سلب صلاحیت می­کند و در نتیجه طرفین باید ضمن احترام به قرارداد داوری، اختلاف خودرا از طریق داوری حل وفصل کنند. هرگاه قرار بر انتخاب داور توسط دادگاه باشد، مقرراتی برای نحوۀ انتخاب توسط دادگاه وجود دارد.[[17]](#footnote-18) دادگاه صلاحیتدار بدین منظور دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را می­داشت.[[18]](#footnote-19) قوانین کشورهای دیگر در مورد دخالت دادگاه پیش از شروع داوری یا در ابتدای داوری بسیار شبیه موارد فوق است، و لزومی به اشاره به آنها دیده نمی­شود. مورد آخر، یعنی ابطال شرط داوری در ابتدای داوری، در کشورهایـی که نظر مساعد نسبت به داوری بین­المللی دارند بسیار نادر است. دادگاهها در این کشورها سعی می­کنند حداکثر احترام را به قرارداد داوری گذاشته و بدین ترتیب محیط آن کشور را برای داوری بین­المللی مناسب جلوه دهند.

# گفتار سوم: دخالت دادگاه در طول جریان داوری

1. نقش نظارتی دادگاهها در طول جریان داوری نیز ادامه دارد. برخی مصادیق دخالت دادگاهها در این مرحله مشابه مرحلۀ شروع یا ابتدای داوری است، مثل جرح داوران و دستور موقت و اقدامات تأمینی. جرح داور پیش از شروع داوری ممکن است اما در طول جریان داوری بیشتر اتفاق می­افتد. درخواست اقدامات تأمینی و دستور موقت نیز در طول داوری بیشتر است. همانطور که یادآور شد، در داوریِ سازمانی یا داوری تحت قواعد آنسیترال، این اقدامات از اختیارات سازمان یا دیوان داوری است و نیازی به دخالت دادگاه نیست. در غیاب آن ترتیبات، گریزی جز مراجعه به دادگاه برای تصمیم­گیری در مواردی مانند جرح داور یا دستور اقدامات تأمینی نیست. نیز ، هرگاه نیاز به اجرای دستور موقت یا اقدام تأمینی باشد، چاره­ای جز استمداد از دادگاه نیست.

الف- قانون آیـین دادرسی مدنی ایران

1. موارد دخالت دادگاه در جریان داوری وفق مقررات باب هفتم قانون آ.د.م. به نسبت بیشتر است. این مقررات اکنون ناظر بر داوری داخلی است و لذا تا حدودی از موضوع این نوشته خارج می­باشد. مهمترین تفاوت این مقررات با قانون داوری تجاری بین­المللی، مربوط است به اختیار دادگاههای ایران به تصمیم­گیری در اصل معامله یا اعتبار قرارداد داوری (ماده 461 آ.د.م.) . بعبارت دیگر، این مورد مهم از اختیارات دیوان داوری استثناء شده و به محاکم قضایـی واگذار شده است. در باقی موارد، اختیارات نظارتی دادگاه شبیه قوانین و مقررات جاری برای داوری بین­المللی است. بخشی از تعامل میان داوری و دادگاه مربوط به مواردی است که داوری از رسیدگی به آن منع شده است. مثلاً هرگاه در اثنای داوری مواردی مربوط به وقوع جرم کشف شود و تفکیک موضوعات کیفری و مدنی ممکن نباشد و یا مسائلی در خصوص اصل نکاح یا طلاق پیش آید، داوری متوقف می­شود تا دادگاه در آن خصوص رأی دهد.[[19]](#footnote-20) در مورد داوری بین­المللی، هرچند دیوان داوری اختیار تصمیم­گیری در خصوص صلاحیت خودرا دارد، در عین حال ممکن است تصمیم دیوان داوری در مورد اعتبار شرط داوری یا برخی موضوعات صلاحیتی که در ابتدای داوری اتخاذ می­شود، مورد اعتراض قرار گیرد. چنانکه در فصل چهارم بحث شد، هر طرف داوری می­تواند از این تصمیم به دادگاه صالح شکایت برده و تقاضای ابطال نماید.

**دخالت دادگاه در طول جریان داوری**

* تصمیم در خصوص صلاحیت دیوان داوری
* تصمیم در خصوص جرح داوران
* انتصاب داوران جایگزین
* اقدامات تأمینی و دستور موقت
* جلب شهود
* حفاظت از ادله یا اموال
* تأمین دلیل توسط طرفین
* ممانعت از رسیدگی­های موازی

ب- قانون داوری تجاری بین­المللی ایران

1. قوانین ذیربط در این خصوص در بخش­ پیشین (گفتار دوم) تشریح شد. چنانکه گفتیم، ماده 6 قانون داوری تجاری ایران دادگاه مرکز استانِ محل برگزاری داوری را برای این امور تعیین کرده است. هرگاه در اثنای داوری یکی از داورن جرح شود یا نیاز به اقدامات تأمینی احساس شود، در مواردی که دیوان داوری قادر به حل موضوع نیست باید به دادگاه مزبور مراجعه کرد. عیناً برای تعیین داور جانشین در میانۀ داوری، مراجعه به دادگاه لازم خواهد بود. در مورد دستور موقت، حتی اگر دیوان داوری قادر به این کار بوده و دستوراتی صادر کند، دستور صادره معمولاً چندان موثر نیست. نخست اینکه، اینگونه دستورات عادتاً قوۀ اجرایـی ندارد. به این موضوع در فصول دیگر اشاره کرده­ایم. دوم، تنها اطراف داوری را خطاب قرار می­دهد و اشخاص ثالث مکلف به اطاعت نیستند. مثلاً هرگاه موضوعِ دستور کالایـی در انبار یا وجوهی در بانک باشد، متصدیان انبار یا بانک ملزم به اجرای دستور صادره از داوری نیستند. لذا مساعدت دادگاه در این امور ضروری خواهد بود. به همین دلیل، ماده 9 قانون داوری تجاری بین­المللی ایران (1376) مقرر می­دارد که «هریک از طرفین قبل یا حین رسیدگی داوری می­تواند از ریـیس دادگاه موضوع ماده 6 صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را درخواست نماید.» این ماده اقتباسی است از ماده 9 قانون نمونۀ آنسیترال (1985). مراجعه به دادگاه بمنظور درخواست اقدامات تأمینی یا دستور موقت منافاتی با ندارد. ممکن است چنین برداشت شود که طرفین با انعقاد قرارداد داوری یا درج شرط داوری در قرارداد تجاری، توافق کرده­اند که همۀ اختلافات از طریق داوری حل و فصل شود و مراجعه به دادگاه خلاف قرارداد داوری است. هرچند این برداشت قوت چندانی ندارد، برای رفع هرگونه ابهام، ماده 9 قانون نمونۀ آنسیترال اشاره می­کند که درخواست اقدامات تأمینی از دادگاه قبل یا حین رسیدگی داوری و دستور دادگاه به چنان اقدامات تأمینی، منافاتی با قرارداد داوری ندارد.[[20]](#footnote-21)

ج- قوانین کشورهای دیگر

1. قوانین داوریِ سایر کشورها نیز به همین منوال است. ماده 44 قانون داوری انگلستان (1996) پیش­بینی می­کند که هریک از طرفهای داوری می­تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای صدور دستور اقدامات تأمینی و حفاظتی بنماید. منتهی هرگاه موضوع اضطراری نباشد، رخصت دیوان داوری برای مراجعه به دادگاه لازم است. ماده 1468 قانون داوری فرانسه نیز عیناً به اختیار دادگاه به صدور دستور اقدامات تأمینی اشاره دارد. مطابق ماده 1449 همان قانون، وجود قرارداد داوری مانع اقدام دادگاه حتی پیش از شروع داوری نیست. قانون سویس کمی متفاوت است. مطابق ماده 183 قانون حقوق بین­الملل خصوصی سویس، دستور اقدامات تأمینی باید ابتدا توسط دیوان داوری صادر شود. هرگاه مخاطب دستور از اجرای آن سرپیچی کند، دیوان داوری می­تواند از دادگاه محل استمداد کند. دادگاه بنا بر قانون سویس به موضوع رسیدگی خواهد کرد.
2. بدیهی است در هر مورد که نیاز به قوۀ اجرایـی باشد، دخالت دادگاه­ها موثرتر است و گاه ضروری. علاوه بر اقدامات تأمینی، در مواردی دیوان داوری بدون مساعدت دادگاه قادر به پیشبرد اهداف خود نخواهد بود. این وضعیت بویژه در جلب شهود و حفظ و تأمین ادله و مدارک برجسته می­شود. گاه دیوان داوری حضور شاهدی را ضروری تشخیص می­دهد و شاهد نیز ارتباط کاری با طرفهای داوری ندارد تا از طریق آنان بتوان شاهد را برای حضور در جلسۀ استماع متقاعد کرد. یا اینکه ادله­ای از مراکزی خارج از کنترل اطراف داوری لازم می­شود. ازآنجا که دیوان داوری هیچگونه امکان جلب شاهد یا تحصیل ادله از ثالث در دست ندارد، تنها راه برای جلب شاهد یا تحصیل ادله مراجعه به دادگاه و تقاضای مساعدت است. ماده 27 قانون نمونۀ آنسیترال به این موضوع اختصاص دارد:

دیوان داوری یا هریک از طرفین با تأیـید دیوان داوری می­توانند از دادگاه صالح در این کشور تقاضای مساعدت در تحصیل ادله بنماید. دادگاه می­تواند در محدودۀ صلاحیت خود و بنابر قواعد تحصیل ادله در حوزۀ خود، تقاضا را اجابت کند.

1. قانون داوری تجاری بین­المللی ایران (1376) هنگام اقتباس از قانون نمونۀ آنسیترال این مقرره را اخذ نکرده است. دلیل حذف آن مشخص نیست. لذا دیوان داوری ابزار قانونی برای چنین تقاضایـی در دست ندارد و هرگاه ناچار چنین تقاضایـی از دادگاه ایران مطرح کند، دادگاه نیز دستاویز قانونی لازم در اختیار نخواهد داشت. با توجه به مفاد ماده 6 قانون که موارد دخالت دادگاه را مشخص و احصاء کرده است، دادگاه­ها در مواجهه با چنان تقاضایـی حتی محتاط­تر خواهند بود. فصل داوری در قانون آیـین دادرسی مدنی ایران (باب هفتم آ.د.م.) نیز مقررۀ مشخصی در این خصوص ندارد. بعید است بتوان مقررات ماده 9 قانون داوری تجاری بین­المللی ایران (منقول در فوق) را بر این مورد ناظر دانست. ماده 9 به درخواست صدور «قرار تأمین» اشاره دارد که مطابق قانون آ.د.م. عمدتاً به معنای توقیف مال است،[[21]](#footnote-22) و لذا با تحصیل دلیل یکی نیست. نیز، باید توجه داشت که حفاظت از ادله با تحصیل ادله یکی نیست. اولی ممکن است مشمول دستور موقت مطابق ماده 9 قرار گیرد، ولی دومی از دستورات شکلی دیوان داوری است و ارتباطی به ماده 9 ندارد. دستور شکلیِ دیوان داوری بمنظور مدیریت و پیشبرد جریان داوری صادر می­شود. جزئیات مربوط به تحصیل ادله در فصل دهم این کتاب آمده است.

د- تحصیل دلیل

1. بحث تحصیل دلیل از طرف مقابل[[22]](#footnote-23) در داوری و دخالت دادگاه کمی مشکل­تر است. در نظام دادرسی عرفی (کامن­لا)، این امر بسیار جاافتاده است و هر طرف می­تواند از دادگاه بخواهد طرف مقابل را الزام به تسلیم اسناد و مدارک ذیربط که در اختیار دارد نماید. این رویه از دهۀ 1980 میلادی به داوری بین­المللی نیز سرایت کرده است.[[23]](#footnote-24) این رویه هنوز عمومیت ندارد و بیشتر به محل داوری و یا فرهنگ حقوقی طرفین و هیأت داوری وابسته است، هرچند بطور روزافزون در داوری بین­المللی مستقر می­شود. قانع کردن محاکم به صدور چنان دستوری در کشورهای پیرو حقوق نوشته مشکل است. طبعاً مرجع اصلی برای صدور چنان دستوری در ابتدا دیوان داوری است. دیوان داوری خود می­تواند چنین دستوری صادر کند و از یک طرف بخواهد اسناد و مدارک ذیربط را در اختیار طرف مقابل قرار دهد. اما در صورت استنکاف، چاره­ای نخواهد بود مگر تقاضای کمک از دادگاه صالح. در مواردی حتی می­توان از دادگاههای خارج از مقرّ داوری تقاضای مساعدت کرد. در ایالات متحده چنین امری رایـج است. هرگاه داوری در آن کشور برگزار شود، دادگاهها در صورت تقاضای دیوان داوری دستور تأمین اسناد ومدارک صادر خواهند کرد.[[24]](#footnote-25) در مواردی دادگاههای فدرال به چنان تقاضاهایـی حتی از دیوانهای داوری خارج از ایالات متحده نیز پاسخ مثبت می­دادند. این رویه در سال 2022 متوقف شد. مطابق ماده 1728 قانون آیـین دادرسی فدرال، دادگاه می­تواند به اشخاصی که در حوزۀ قضایـی­اش مقیم هستند دستور دهد اسناد و مدارکی را که در دسترس دارد در اختیار مراجع خارجی یا بین­المللی قرار دهند. در سال 2022 متعاقب احکام متناقض از محاکم، دیوانعالی ایالات متحده در قضیه «اتوموتیو» حکم کرد که مراجع خارجی و بین­المللی غیردولتی شامل داوری­های بیرون از آن کشور نمی­شود. به نظر دیوانعالی، منظور ماده 1728 مراجع قضایـی بین­الدول است (مانند دیوان بین­المللی دادگستری) و نه داوری تجاری بین­المللی.[[25]](#footnote-26) در اروپا از طریق قوانین اتحادیۀ اروپا چنین امری ممکن است.[[26]](#footnote-27) در غیر اینصورت مشخص نیست که آیا همکاری­های بین­المللی به شکل نیابت قضایـی[[27]](#footnote-28) در امر داوری نیز ممکن است یاخیر.
2. بیشتر کشورهایـی که قانون نمونه آنسیترال را اقتباس کرده­اند، مقرراتی در قانون خود با مضمون ماده 27 قانون نمونه دارند.[[28]](#footnote-29) کشورهایـی نیز که قانون نمونه را مستقیماً اتخاذ نکرده­اند چنان مقرراتی در قوانین داوری خود دارند. مثلاً بند 2 ماده 184 قانون حقوق بین­الملل خصوصی سویس متنی بسیار مشابه ماده 27 قانون نمونۀ آنسیترال دارد. قانون داوری انگلستان (1996) در این خصوص بسیار مفصل است. مواد 43 و 44 قانون روش الزام شاهد به حضور در داوری و نیز تحصیل دلیل به کمک دادگاه را به جزئیات پیش­بینی می­کند. شرط دخالت دادگاه آن است که شاهد در انگلستان باشد و از وی تسلیم مدرکی که مطابق قانون آیـین دادرسی مدنی انگلستان قابل ارائه نیست درخواست نشود. قانون داوری فدرال ایالات متحده (1925) نیز مقرراتی مشابه دارد. مقررات مشابهی نیز در خصوص حفظ ادله و جلوگیری از امحای آن و یا حفظ اموال موضوع داوری، در این قوانین دیده می­شود. دادگاههای انگلستان معمولاً به تقاضای تحصیل و حفاظت از ادله یا اموال در داوری اهمیت می­دهند. اما قانون داوری انگلستان در این خصوص بطور مضیق تفسیر می­شود و دادگاهها فقط در موارد اضطراری دستور مقتضی صادر می­کنند. در یک قضیه میان شرکتهای انگلیسی و فرانسوی، یکی از طرفینِ قرارداد پیش از شروع داوری به دادگاه لندن مراجعه و باستناد بند 3 ماده 44 قانون داوری انگلستان (مساعدت دادگاه در حفظ ادله و کالا) تقاضای صدور دستور مبنی بر حفاظت از سهام که مورد اختلاف بود مطرح کرد. دادگاه استیناف موافقت کرد و تنها به سبب اضطراری بودن وضعیت، صدور دستور توسط دادگاه بدوی را ابرام کرد.[[29]](#footnote-30) لیکن ماده 27 قانون نمونۀ آنسیترال به این مورد اشاره نمی­کند. ماده 17 قانون نمونه (2006) به موضوع حفاظت از ادله در چارچوب اختیارات دیوان داوری و صدور دستور موقت اشاره دارد و نه مساعدت دادگاه در این خصوص.[[30]](#footnote-31)

هـ- حفظ وضع موجود

1. مورد دیگری که دیوان داوری بدون مساعدت دادگاه قادر به اقدام نیست، دستور به طرفین داوری مبنی بر حفظ وضع موجود[[31]](#footnote-32) است. در مواردی لازم است به یکی از طرفین دستور داده شود تا زمان صدور رأی به ایفای تعهد ادامه دهد یا اقدامی بعمل نیاورد که حق طرف دیگر ضایع شود. هرگاه چنین اقدامی پیش از شروع رسمی داوری لازم باشد، چاره­ای جز مراجعه به دادگاه و تقاضای صدور دستور مقتضی نیست. در طول داوری نیز ممکن است به سبب اینکه شخص ثالثی درگیر در موضوع است و یا داوری امکان الزام ندارد، دادگاه را دخیل در قضیه نمود. قانون داوری تجاری بین­المللی ایران هیچ اشاره­ای به چنین وضعیتی ندارد. اما به نظر می­رسد که این مورد را می­توان بعنوان اقدامات تأمینی یا دستور موقت تحت ماده 9 قانون قرار داد. لذا بنظر می­رسد چنین تقاضایـی قابل رسیدگی است.

و- رسیدگی های موازی

1. مورد آخر که ممکن است منجر به دخالت دادگاه شود، جلوگیری از رسیدگی­های موازی است. در فصل چهارم اشاره کردیم که گاه دادگاهها به درخواست یکی از طرفین، دستوراتی برای توقف جریان داوری صادر می­کنند. همانجا اشاره شد این دستورات که به «قرار تحذیریِ توقف داوری»[[32]](#footnote-33) شهرت دارد، عمدتاً زمانی پیش می­آید که یک طرفِ داوری شرکتی دولتی است که با مراجعه به مراجع قضایـیِ دولت متبوع خویش موفق می­شود دستوری خطاب به دیوان داوری اخذ کند تا جریان داوری ملغی شده و رسیدگی به دادگاه محل منتقل شود. هرچند این مورد چندان مطلوب نیست و مورد اعتراض دست­اندرکاران داوری بین­المللی می­باشد، لیکن در عمل دیده می­­شود و گاه دادگاهها چنین دستوراتی صادر می­کنند. ازآنجا که دیوانهای داوری بنا بر صلاحیت مستقل خود تصمیم­گیری می­کنند، اینگونه دخالت­ها تنها زمانی که داوری در حوزۀ قضایـی دادگاه برگزار شود مؤثر واقع می­شود. در غیر اینصورت دیوانهای داوری به کار خود ادامه می­دهند، هرچند در هر حال اجرای رأی داوری در آن حوزه تقریباً غیر ممکن است.

# گفتار چهارم: دخالت دادگاه پس از پایان داوری

الف- شناسایـی و اجرای رأی

1. نقش نظارتی و اجرایـیِ دادگاه پس از پایان داوری قاطع و ضروری است. در موارد زیادی رأی داوری مورد اعتراض محکومٌ­علیه قرار می­گیرد و لذا وی حاضر به اجرای رأی و پرداخت محکومٌ­به نمی­شود. در این وضعیت، هردو طرف به دادگاه صالح مراجعه می­کنند. یعنی از یک سو محکومٌ­له برای شناسایـی و اجرای رأی به دادگاه مراجعه می­کند، و از سوی دیگر محکومٌ­علیه برای ابطال رأی به دادگاه روی می­آورد و یا در پاسخ به درخواست شناسایـی و اجرا از دادگاه می­خواهد رأی را باطل کرده و اجرائیه صادر نکند. نقش دادگاه در این مرحله در همۀ قوانین داوری تأکید شده و مقررات مشروح در این مورد وضع شده است. علاوه براین، وظیفۀ اصلیِ کنوانسیون نیویورک (1958) در این مرحله نمایان می­شود.
2. ماده 33 قانون داوری بین­المللی ایران (1376) به موارد بطلان رأی داوری اشاره دارد. مطابق مفاد این ماده، طرفِ معترض برای اعتراض به رأی و تقاضای بطلان باید به دادگاه مرکز استان مراجعه نماید. مطابق ماده 35 قانون، به محض تقاضای یک طرف برای اجرای رأی داوری، دادگاه باید حکم به اجرای رأی بدهد مگر آنکه طرف دیگر درخواست ابطال کرده باشد. هرگاه پس از درخواست شناسایـی و اجراء طرف دیگر تقاضای بطلان کند، دادگاه می­تواند بنا بر تقاضای طرف اول از طرف دوم بخواهد تأمین مناسب بسپارد. پیداست، هرگاه دادگاه با رأی داوری مواجه شد که از موارد بطلان ذاتی است (موضوع ماده 34 قانون)، ناگزیر رأی را باطل اعلام خواهد کرد و نیازی به تقاضای ابطال نیست. در داوری داخلی در ایران نیز ترتیبات مشابهی مطابق مقررات باب هفتم قانون آ.د.م. وجود دارد. بدیهی است جریان شناسایـی و اجرای رأی داوری به معنای تجدید نظر در رأی و ورود در ماهیت آن نیست. دادگاه تنها به اعتبار رأی مطابق موارد احصاء شده در قانون می­پردازد. این مطلب در همۀ کشورها بدین صورت پذیرفته شده است. محاکم ایران نیز در موارد متعدد بر این نکته تأکید دارند که دادگاه فقط حق شناسایـی یا ابطال رأی را دارد و نه تأیـید یا ردّ محتوای رأی.[[33]](#footnote-34)

ب- شناسایـی و اجرای رأی خارجی

1. موارد فوق مربوط است به داوری بین­المللی یا داخلی در ایران. دادگاههای ایران ممکن است برای شناسایـی و اجرا و یا ابطال آراء صادره در خارج از ایران نیز مورد مراجعه قرار گیرند. در این خصوص دادگاههای ایران باید مطابق مفاد کنوانسیون نیویورک (1958) عمل کنند.بعبارت دیگر، آراء داوری خارجی در ایران قابل اجراست، مگر در مواردی که در کنوانسیون نیویورک صراحتاً احصاء شده است. جزئیات این مطلب در فصل هشتم تشریـح شده است. قوانین و مقررات در سایر کشورها عیناً به ترتیبی است که ذکر شد و تفاوت خاصی ندارد مگر در جزئیات. بویژه در مرحلۀ پس از پایان داوری، این قوانین و مقررات بسیار شبیه است. در خصوص اجرای آراء داوری خارجی، با توجه به اینکه اکثر کشورهای دنیا کنوانسیون نیویورک را پذیرفته­اند و این کنوانسیون قانون لازم­الاجرا برای شناسایـی و اجرای آراء داوری خارجی در آن کشورهاست، نوعی قانون مشترک میان کشورها در این موضوع بوجود آمده است. انتشار تصمیمات محاکم در کشورهای مختلف در این خصوص توسط آنسیترال نیز در استقرار رویۀ در این زمینه بسیار موثر بوده است.

**دخالت دادگاه پس از پایان داوری**

* تصمیم در خصوص شناسایـی رأی داوری
* صدور اجرائیه برای رأی داوری
* تصمیم در خصوص تقاضای ابطال رأی داوری
* تصمیم در خصوص تأمین مناسب در قبال تقاضای ابطال

1. نقش نظارتی و اجرایـی دادگاهها در مرحلۀ شناسایـی و اجرای رأی داوری و یا تصمیم در خصوص تقاضای ابطال، شاید مهمترین نقش آنها در داوری باشد. در مراحل ابتدایـی یا در طول جریان داوری، دادگاهها صلاحدید زیادی در دخالت یا کنار کشیدن از جریان داوری دارند. نقش آنها عمدتاً نظارتی و حمایتی است، و اکثراً تمایلی به دخالت غیرضروری در جریان داوری ندارند. علاوه برآن، اکثر داوری­های تجاری بین­المللی و داوری­های سرمایه­گذاری تحت اشراف سازمان­های داوری برگزار می­شود. در ایـن شرایط، بسیاری از وظایف و تکالیف لازم برای پیشبرد جریان داوری توسط آن سازمانها ایفا شده و نیازی به مراجعه به دادگاه احساس نمی­شود. اما پس از پایان داوری و در مرحلۀ اجرای رأی، تنها تشکیلات موجود با قوۀ اجرایـی همانا دادگاههای دادگستری است.[[34]](#footnote-35) هدف هر جریان داوری حل و فصل اختلافات و در موارد مقتضی تصمیم در مورد ضرر و زیان وارده به یک طرف است. هرگاه رأی داوری قوۀ اجرایـی نداشته باشد، نظام داوری عبث و بیهوده خواهد شد، یا دست کم به لحاظ اجرایـی به نظام میانجیگری یا سازش تنزل خواهد یافت. قوۀ اجرایـی رأی داوری نیز تنها از طریق دادگاهها عملی است. لذا رابطه میان دادگاه و داوری بویژه در این مرحله حیاتی است. این رابطه به یک معنا دوطرفه و تعاملی است. بدین معنا که داوران در هر مرحله از جریان داوری و بویژه در صدور رأی، همواره نیم­­نگاهی به امکان شناسایـی و اجرای رأی صادره دارند و همواره نظارت دادگاهها بر رأی مدّ نظرشان می­باشد. بدین معنی که کوشش می­کنند رأی صادره حتی­الامکان عاری از موانع اجرا باشد. داوران سعی می­کنند از محدودۀ صلاحیتی خویش خارج نشوند و حقوق شکلی طرفین را در بالاترین سطح ممکن رعایت کنند.[[35]](#footnote-36) در مجموع، بدون تعامل سازنده میان دادگاه و داوری، دنیای داوری امکان ادامۀ حیات نخواهد داشت.

ج- موضوعات مطرح در شناسایـی و اجرای رأی

1. نکتۀ دیگر در مورد نقش دادگاهها آن است که در مرحلۀ شناسایـی و اجرای رأیِ داوری که در اغلب موارد با تقاضای ابطال از طرف دیگر مواجه می­شود، کل موضوعات صلاحیتی و برخی موارد شکلی که در داوری تصمیم گیری شده، برای کنترل دادگاه مطرح می­شود. یعنی موضوعاتی مانند اعتبار قرارداد داوری و حدود صلاحیتی دیوان داوری مورد اعتراض قرار می­گیرد. در مواردی اشتباه آشکار قانونی و یا محرومیت یک طرف از حقوق شکلی­اش نیز در دادگاه مطرح می­شود (اصل تناظر). دادگاه باید در این موضوعات اظهار نظر کند، و لذا مجهز بودن دادگستریِ هر کشور و قضات دادگستری به آخرین تحولات در دنیای داوری اهمیت زیادی دارد. طبعاً دادگاهها حتی­الامکان از ورود در مسائل ماهوی خودداری می­کنند، ولی در موضوعاتی مانند اعتبار شرط داوری، خروج داوری از محدودۀ صلاحیتی، داوری پذیری، احترام به قانون، و حقوق اطراف دعوی، نقشی حیاتی ایفاء می­کنند. تمام تلاشهای دیوان داوری در طول داوری که در پرونده­های بزرگ گاه سالها طول می­کشد، ممکن است با یک اشتباه در موضوعات فوق نقش برآب شود. لذا داوران بالاخص در داوری تجاری بین­المللی همواره این مورد را در نظر داشته و سایۀ سنگین دادگاههارا بر جریان داوری احساس می­کنند.

**اهمّ موضوعاتی که دادگاه در رأی داوری دخالت می­کند**

* اعتبار شرط داوری
* خروج داور از محدودۀ صلاحیتی
* داوری پذیری
* رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه
* حقوق شکلی اطراف داوری
* احترام به قانون

د- امکان دخالت دادگاه در ماهیت رأی داوری

1. در مواردی بنا بر توافق طرفینِ داوری، ممکن است دادگاه در ماهیت رأی داوری نیز ورود و نقشی مانند دادگاه تجدید نظر ایفا کند. در این خصوص رویه دادگاهها یکسان نیست. در فرانسه توافق طرفین بدان منظور معتبر است. بنابر ماده 1522 قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، ایرادی بر توافق مزبور نیست، هرچند طرفین هنوز حق دارند نسبت به قرار اجرای رأی اعتراض کنند. دادگاههای ایالات متحده احکام متناقضی در این خصوص صادر کرده­اند و رویۀ قضایـی در این باب هنوز مستقر نیست. مثلاً در قضیۀ «کیوسرا» نزد دادگاه فدرال ایالات متحده، دادگاه حکم کرد که توافق طرفین در این خصوص معتبر نیست و دادگاه تنها ممکن است به تصدیق یا ابطال رأی داور حکم کند.[[36]](#footnote-37) به نظر دادگاه، «اشخاص خصوصی حق ندارند نحوۀ رسیدگی را به دادگاه فدرال تحمیل کنند. این اختیار در انحصار مجلس قانونگذاری است ... از آنجا که قانونگذار تشخیص داده است دادگاه فدرال تنها در مورد اشتباهات خاصی نسبت به تجدید نظر در رأی داوری اقدام کند، اطراف داوری نمی­توانند معیار متفاوتی را برای تجدیدنظر تعیین کنند.» در عین حال، دیوانعالی ایالات متحده در قضیه­ای در خصوص حدود توافق طرفین داوری حکم کرد: «طرفداری قانون داوری فدرال از داوری به معنای نفی ارادۀ طرفین داوری نیست ... در واقع بی­توجهی به ارادۀ طرفین بر خلاف خط مشی قانون داوری فدرال مبنی بر حداکثر احترام به توافق طرفین داوری خواهد بود.»[[37]](#footnote-38) دادگاههای ایران نیز ظاهراً توافق به امکان اعتراض به رأی داور را منافی ذات داوری می­دانند. در یک رأی صادره از محاکم استان تهران، دادگاه استدلال کرد که چنان توافقی خلاف ویژگی ذاتی داوری بوده و لذا شرط داوری باطل است.[[38]](#footnote-39) در مجموع، هرگاه چنان توافقی مجاز باشد، گسترۀ آن نباید به اندازه­ای گسترده باشد که اصل داوری را زیر سؤال قرار دهد.
2. در بعضی کشورها، دخالت دادگاه در رأی داوری بیش از نظارت بر موضوعات صلاحیتی و حقوق شکلی است. ماده 33 قانون داوری تجاری بین­المللی ایران (1376) اختیارات وسیعی برای دادگاه در قبال رأی داوری قائل می­شود. این اختیارات در مواردی مشابه خلق مرجعی برای تجدید نظر در رأی داوری است. مثلاً هرگاه «پس از صدور رای داوری مداركی يافت شود كه دليل حقانيت معترض بوده و ثابت شود كه آن مدارك را طرف مقابل مكتوم داشته و يا باعث كتمان‌آنها شده‌»، رأی قابل ابطال است. قانون نمونه آنسیترال چنین مقرره­ای ندارد. بیشتر قوانین داوری نیز تا این حد در رأی داوری دخالت نمی­کنند. در داوری داخلی نیز، ماده 489 قانون آیـین دادرسی مدنی ایران در احصاء موارد ابطال رأی داوری، به مطابقت یا مخالفت رأی با قوانین موجد حق اشاره دارد. این مقرره موجب می­شود که دادگاهها در قبال اعتراض یک طرف بر این مبنا، لاجرم به ماهیت رأی داوری ورود داشته باشند. زیرا به نظر دادگاهها قوانین موجد حق همانا قوانین ماهوی­اند. بعبارت دیگر، دادگاهها بند 1 ماده 489 (مباینت رأی داوری با قوانین موجد حق) مجوزی برای ورود در موضوعات حکمی در رأی می­دانند.[[39]](#footnote-40)

هـ – ابطال بخشی از رأی

1. این نکته نیز قابل ذکر است که گاه تقاضای ابطالِ رأی تنها بخشی از رأی را در بر می­گیرد. ایراد خاصی بر این مورد نیست. هرگاه دادگاه نقصی در آن بخش دید، و یا در برابر تقاضای ابطالِ کل رأی به این نتیجه رسید که ایراد تنها بر بخشی از رأی وارد است، ممکن است رأی را تنها در آن بخش باطل و نسبت به بقیه اجرائیه صادر کند. پیداست، لازم است بخش مزبور قابل تفکیک بوده و ارتباط ساختاری آن بخش به کل رأی به نحوی باشد که رأی بدون آن نیز قابل اجرا باشد. این مقرره معمولاً در خصوص خروج داور از محدودۀ صلاحیتی خود اِعمال می­شود، زیرا در موارد دیگر (بطلان شرط داوری، حقوق شکلی طرفین، داوری پذیری) موضوعات همیشه قابل تفکیک نیست. این نکته هم در کنوانسیون نیویورک (1958) و هم در قانون نمونه آنسیترال تأکید شده است.[[40]](#footnote-41) قانون داوری تجاری بین­المللی ایران (1376) نیز در ماده 33(هـ) چنین مقرره­ای دارد.[[41]](#footnote-42) در داوری داخلی نیز رویه به همین نحو است.[[42]](#footnote-43)

و- درخواست تأمین

1. دادگاه ممکن است در قبال تقاضای ابطال رأی، از متقاضی درخواست تأمین کند. اکثر قوانین داوری به این مورد اشاره دارند. مطابق ماده 493 قانون آیـین دادرسی مدنی ایران، دادگاه مجاز است در صورت اعتراض به رأی داور و «در صورت اقتضا، تأمین مناسب از معترض اخذ» کند. این ماده ناظر بر داوری­های داخلی است، ولی عین این مقرره در قانون داوری تجاری بین­المللی ایران (1376) نیز وضع شده است. بند 2 ماده 35 قانون مقرر می­دارد که در موارد تقاضای ابطالِ رأی داوری توسط یک طرف و تقاضای شناسایـی یا اجرای آن توسط طرف دیگر، «دادگاه می­تواند در صورت درخواست متقاضیِ شناسایـی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست کنندۀ ابطال تأمین بسپارد.» موارد دخالت دادگاه در این بند و بند پیشین، نقش محاکم را در مؤثر بودن جریان داوری و رأی داوری برجسته می­کند. زیرا رأی داوری بدون احتمالِ اجرا، کلِّ فرآیند داوری را زیر سؤال می­برد و وظیفۀ مهم اجرای رأی نیز تنها از محاکم دادگستری برمی­آید. همانطور که گفته شد، داوری، خواه داخلی یا بین­المللی، هیچگونه قدرت اجرایـی در اختیار ندارد. مباحث تفصیلی در باب شناسایـی و اجرای رأی در فصل هشتم بعمل آمده است.
2. نتیجه آنکه بدون تعامل سازنده میان داوری و دادگاه، فرآیند داوری قابل تصور نیست. دادگاهها در موارد زیادی نقشی پشتیبان برای داوری دارند. در موضوع بسیار مهم اجرای رأی داوری نیز نقش دادگاهها قاطع و حیاتی است. شاید مهمترین عنصر داوری قطعی و نهایـی و لازم­الاجرا بودن رأی است. بدون قوۀ اجرایـی، داوری در واقع به نظام­های دیگر مانند سازش، میانجیگری، حقیقت­یابی، و یا کارشناسی تغییر چهره خواهد داد.

1. ماده 5 قانون نمونه آنسیترال (1985). این ماده عیناً در نسخه 2006 قانون نمونه حفظ شده است. [↑](#footnote-ref-2)
2. در جای دیگری گفته شد، تئوری­هایـی که در جهت قطع کامل ارتباط قانون محل با داوری است در عمل راه به جایـی نبرده است. بدون رابطۀ سازندۀ داوری و قانون محل، داوری قابل تصور نیست. در سال 1985 بلژیک برای جلب داوری بین­المللی قانونی تصویب کرد مبنی براینکه هیچ­گونه نظارت قضایـی بر داوری­های بین­المللی در بلژیک وجود نخواهد داشت (بند 4 ماده 1717 آیـین دادرسی بلژیک). نتیجه کاملاً عکس انتظار بود و شرکتهای خارجی از برگزاری داوری در بلژیک گریزان شدند. آن قانون در سال 1998 ملغا شد. [↑](#footnote-ref-3)
3. در کشورهای فدرال هر ایالت ممکن است قانون داوری جداگانه­ای داشته باشد. مثلاً در ایالات متحده 8 ایالت قانون نمونۀ آنسیترال را اقتباس کرده و بصورت قانون ایالتی به تصویب رسانده­اند. در انگلستان، قانون داوری انگلستان (1996) بر اسکاتلند و برخی سرزمینهای ماوراء بحار آن کشور ناظر نیست و اینها قانون خود را بر اساس قانون نمونه آنسیترال وضع کرده­اند. در استرالیا نیز هریک از هشت ایالت قانون داوری جداگانه­ای بر اساس قانون نمونه آنسیترال وضع کرده ­است. [↑](#footnote-ref-4)
4. مواد 1442 تا 1503 قانون آیـین دادرسی مدنی فرانسه به داوری داخلی و مواد 1504 تا 1527 به داوری بین­المللی اختصاص دارد. مطابق ماده 1506، در موارد مقتضی مقررات مربوط به داوری داخلی ناظر بر داوری بین­المللی نیز می­باشد. [↑](#footnote-ref-5)
5. Le président du tribunal judiciare de Paris (Tribunal de grande instance de Paris) [↑](#footnote-ref-6)
6. Le juge d’appuit de la procédure arbitrale [↑](#footnote-ref-7)
7. *Exequatur* [↑](#footnote-ref-8)
8. قانون داوری انگلستان ناظر بر سه قلمرو انگلند، ولز، و ایرلند شمالی است. اسکاتلند مشمول این قانون نیست. لذا این مورد باید در اشاره به قانون داوری انگلستان یا داوری­های خارج از انگلستان مد نظر باشد. [↑](#footnote-ref-9)
9. High Court of Justice [↑](#footnote-ref-10)
10. County Court [↑](#footnote-ref-11)
11. اخیرا اقداماتی در جهت اصلاح قانون داوری انگلستان بعمل آمده و پیش­نویس لایحه­ای بدین منظور تقدیم پارلمان انگلستان شده است:

    https://www.lawcom.gov.uk/project/review-of-the-arbitration-act-1996 [↑](#footnote-ref-12)
12. مثلاً ر.ک. بند 1 ماده 84 قانون آیـین دادرسی مدنی ایران (ایراد صلاحیتی باید ضمن پاسخ به ماهیت دعوا اقامه شود)؛ یا بند ب ماده 12 قانون آیـین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده (ایراد صلاحیتی باید پیش از آغاز تبادل لوایح در ماهیت مطرح شود). [↑](#footnote-ref-13)
13. فصل ششم قانون آیـین دادرسی مدنی. [↑](#footnote-ref-14)
14. ماده 9 قانون نمونه آنسیترال (1985) در این خصوص مقرر می­دارد: «تقاضای یک طرف داوری از دادگاه برای صدور قرار اقدامات موقت تأمینی پیش از یا در جریان داوری و صدور چنین قراری توسط دادگاه، منافاتی با قرارداد داوری ندارد.» این ماده در نسخه 2006 قانون نمونه عیناً حفظ شد. ماده 9 قانون داوری تجاری بین­المللی ایران، بر مبنای این مقرره در قانون نمونه وضع شده است ولی متن آن متفاوت است. [↑](#footnote-ref-15)
15. دادنامه شماره 930618 مورخ 7 آبان 1393؛ دادنامه تجدید نظر شماره 9301338 مورخ 30 دی 1393؛ دادنامه اعاده دادرسی شماره 9301552 مورخ 19 اسفند 1393. ظاهراً این رأی در دیوانعالی کشور نقض شده است: دادنامه شماره 140006390000088065 مورخ 11 اردیبهشت 1400. [↑](#footnote-ref-16)
16. ر.ک. آراء متعدد منتشره توسط قوه قضائیه در کتاب «رویه قضایـی محاکم استان تهران در داوری (1380-1400)، انتشارات معاونت منابع انسانی دادگستری تهران. بویژه صفحات 496، 568، 571، 572، 576، 577، 584، 591، 592، 599، 612، 613، 628، 629، 630، 632، 633، 635، 638، 640، 649، 650، 651، 652، 655، 664، 666، 667، 676، 682، 684، 693. [↑](#footnote-ref-17)
17. مثلاً مواد 460، 467، 468 قانون آیـین دادرسی مدنی ایران. [↑](#footnote-ref-18)
18. ماده 462 قانون آیـین دادرسی مدنی ایران. [↑](#footnote-ref-19)
19. ماده 478 قانون آیـین دادرسی مدنی ایران. [↑](#footnote-ref-20)
20. این متن قانون نمونه بدین شکل وارد قانون ایران نشده است. با اینحال، بعید است دادگاههای ایران نظری جز آن داشته باشند. هرگاه یک طرف داوری بمنظور اخذ دستور اقدامات تأمینی به دادگاه ایران مراجعه کند، به احتمال زیاد دادگاه دخالت خواهد کرد. در واقع متن اضافی در قانون نمونه آنسیترال از باب احتیاط مفرط درج شده است. اشارۀ قانون داخلی به امکان تقاضای دستور موقت از دادگاه در اثنای داوری، به اندازۀ کافی رساست و حاکی از عدم منافات آن تقاضا با قرارداد داوری است. [↑](#footnote-ref-21)
21. ر.ک. مواد 121 به بعد آ.د.م. [↑](#footnote-ref-22)
22. Discovery [↑](#footnote-ref-23)
23. در دیوان داوری دعاوی یران-ایالات متحده، ابتدا در برابر این رویه هم از طرف وکلای ایران و هم از طرف داوران مقاومت می­شد. اما بتدریج رویه جا افتاد و شاید بتوان گفت استقرار این نهاد (discovery ) در دیوان آغازی بود به رواج آن در داوری بین­المللی. [↑](#footnote-ref-24)
24. ماده 7 قانون داوری فدرال: «داوران ... ممکن است برای هرشخصی احضاریه بفرستند تا در برابرشان بعنوان شاهد ظاهر شده و عندالاقتضاء هرگونه دفاتر یا سوابق و اسناد و یا برگه که بعنوان دلیل مناسب تشخیص داده می­شود را ارائه دهند ... هرگاه شخصی که برایش احضاریه صادر شده از حضور در داوری خودداری استنکاف و یا احضاریه را نادیده بگیرد، دادگاه بدی فدرال در حوزه­ای که داوری در آن برگزار می­شود می­تواند در صورت تقاضا شخص مزبور را الزام به حضور نماید.» [↑](#footnote-ref-25)
25. *ZF Automotive US Inc. v. Luxshare Ltd*, 596 U.S. (2022) [↑](#footnote-ref-26)
26. ر.ک. قانون شماره 1206/2001 مورخ 28 مه 2001 شورای اتحادیۀ اروپا. [↑](#footnote-ref-27)
27. Letters rogatory [↑](#footnote-ref-28)
28. مثلاً ماده 37 قانون داوری مصر (1994)؛ ماده 13 قانون داوری بین­المللی سنگاپور؛ ماده 12 قانون داوری بین­المللی ترکیه (2001)؛ ماده 27 قانون داوری بین­المللی آذربایجان (1999)؛ ماده 27 قانون داوری بین­المللی روسیه (1993). [↑](#footnote-ref-29)
29. *Cetelem SA v. Roust Holdings Ltd*, England and Wales Court of Appeal (EWCA), Civil Division (24 May 2005). [↑](#footnote-ref-30)
30. می­توان گفت که با عنایت به مواد 5 و 6 قانون نمونه، دخالت دادگاه در این خصوص بسیار مشکل است. زیرا بنا بر ماده 5: «در موضوعات مشمول این قانون، دادگاهها هیچ دخالتی نخواهند کرد مگر آنچه در این قانون پیش­بینی شده است»؛ و ماده 6 نیز موارد دخالت دادگاه را احصاء کرده است. [↑](#footnote-ref-31)
31. *Status quo* [↑](#footnote-ref-32)
32. Anti-arbitration injunction. [↑](#footnote-ref-33)
33. ر.ک. آراء منتشره توسط قوه قضائیه در کتاب «رویه قضایـی محاکم استان تهران در داوری (1380-1400)، انتشارات دادگستری تهران. بویژه صفحات 365، 487، 563، ، 254، 470، 481، 507، 581، 611، 614، 641. [↑](#footnote-ref-34)
34. برخی موارد ضمانت اجرای غیرقضایـی نیز وجود دارد، اما شاید چندان موثر نباشد. مثلاً در داوری تجاری بین­المللی تحت اشراف اتاق­های بازرگانی، هرگاه یک طرف از اجرای رأی استنکاف دهد، مراتب به مقامات اتاق ذیربط اطلاع داده می­شود تا اقدامات انضباطی بعمل آید. [↑](#footnote-ref-35)
35. در داوری­های سازمانی همۀ آراء پس از صدور، توسط نهاد نظارتی سازمان بررسی مجدد می­شود. هرگاه نکته­ای دیده شد که ممکن است در اجرای رأی تأثیر منفی داشته باشد، یادآور شده و از هیأت داوران درخواست اصلاح می­شود. هیأت­های داوری عادتاً به درخواست اصلاح عمل می­کنند. [↑](#footnote-ref-36)
36. *Kyocera Corp. v. Prudential-Bache*, 341 F.3d 987, 991 (9th Cir. 2003) [↑](#footnote-ref-37)
37. *Volt Info. Sci., Inc. v. Bd. of Trustees of Leland Stanford Jr. Univ,* (489 US 52, 115 S.ct. 1248 (1989) [↑](#footnote-ref-38)
38. دادنامه قطعی شماره 9209970221500088، مورخ 4/2/1392: «ویژگی ذاتی رأی داوری قانونی، الزام­آور بودن آن برای طرفین می­باشد و در صورتی که طرفین این الزام­آور بودن را از رأی سلب نمایند، رأی داور از نوع داور کدخدامنشی است ... موارد موضوع ماده 489 قانون آیین دادرسی مدنی از موارد ابطال می­باشد نه اعتراض.» [↑](#footnote-ref-39)
39. مثلاً ر.ک. دادنامه قطعی شماره 1212 مورخ 12/9/1384: «منظور قانونگذار از بند 1 ماده 489 آیین دادرسی مدنی نه ایراد موضوعی بلکه ایراد حکمی است. منظور از ایراد حکمی مخالفت رأی داور با قانون موجد حق است.» نیز ر.ک. دادنامه قطعی شماره 9909970221800341 مورخ 25/4/1399: «داور مکلف می­باشد رأی خودرا به صورت مستدل و مدلل صادر و از اصدار رأی برخلاف قوانین موجد حق امتناع نماید که مراد از قوانین موجد حق همانا قوانین ماهوی است.» [↑](#footnote-ref-40)
40. بند 1 ماده 5 کنوانسیون نیویورک: «در صورتی که تصمیمات راجع به موضوعات ارجاعی به داوری از تصمیماتی که مربوط به داوری نیست قابل تفکیک باشد آن قسمت از حکم داوری که حاوی تصمیمات مربوط به موضوعات ارجاعی به داوری است قابل شناسائی و اجرا خواهد بود. عین این متن در ماده 36(1)(الف)(سه) قانون نمونه آنسیترال (1985 و 2006) تکرار شده است. [↑](#footnote-ref-41)
41. ماده 33(هـ) قانون داوری تجاری بین­المللی ایران: «چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات داوری بوده قابل ابطال است.» نیز ر.ک. ماده 103(2)(د) قانون داوری انگلستان (1996). [↑](#footnote-ref-42)
42. ر.ک. دادنامه قطعی شماره 9309970221500642 مورخ 1/6/1393: دعوای ابطال رأی داوری به طرفیت برخی از محکوم­لهم رأی به شرطی که رأی قابل تجزیه باشد قابل استماع است. [↑](#footnote-ref-43)